

ریشه‌یابی ناآرامی‌ها در پنجاب هند

نویسنده: Rajiv A Kapur

منبع: Third World Quarterly، جلد ۹، شماره ۲، ۱۹۸۷

براعتبار حزب و شخص نخست‌وزیر اثر گذارده است.

از زمان انتخاب راجیو گاندی، روابط رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر پیوسته روبه تیره‌گی بوده و بالاخره به برخورد و کشمکش آشکار منجر گردیده است. رئیس‌جمهور مکرر از اینکه مورد مشورت قرار نگرفته است شکایت داشته و دولت را متهم ساخته است که وی را از مسائل مهم مملکتی بی اطلاع نگاه می‌دارد. برعکس، دولت مرکزی معتقد است که تعهدات خود را برحسب قانون اساسی در قبال رئیس‌جمهور ایفا نموده و اضافه می‌کند که رئیس‌جمهور برای این انتخاب شده است که اختیارات خود را فقط نسبت به پاره‌ای از موضوعات اعمال نماید. از ژانویه ۱۹۸۷، رئیس‌جمهور علناً از تصویب اصلاحیه بحث‌انگیز لایحه پستی هند که طی آن به دولت اختیار می‌داد تا پست خصوصی را تحت پوشش خود قرار دهد امتناع نمود. وی همچنین در مورد انتخاب قضات دیوان عالی از دولت توضیح خواست و نیز خواستار گزارشی در خصوص سیاست دولت در رابطه با برنامه‌های تلویزیونی شد. البته اختلافات دیگری نیز در زمینه حق ریاست‌جمهوری برای آگاهی از مسائل مهم مملکتی و اعلام نظر مشورتی وجود داشت و این کشمکش‌ها بالاخره مساله بررسی اختیار قانونی ریاست‌جمهوری برای بزرگاری نخست‌وزیر را مطرح ساخت. دولت کنگره نیز به سهم خود در مقابل اینگونه مباحث با حملات ملایمی به رئیس‌جمهور، از خود واکنش نشان می‌داد. به هر حال قدرت و پرستیژ دولت مرکزی به واسطه این وقایع لطمه دید. ضربه دیگری که به دولت وارد شد، اتهامات مربوط به وجود برخی اعمال بی‌رویه در خصوص دوقرار داد عمده خرید تجهیزات دفاعی بود و گزارش‌هایی نیز در خصوص واریز پول به حساب‌های محرمانه هندی در بانک‌های خارج وجود داشت که برشده این مشکلات می‌افزود. مدت زمان کمی پس از تشکیل کمیسیون تحقیق درباره این قراردادها «و-پ-سینگ» وزیر دفاع از سمت خویش برکنار گردید. البته چندماه پیش از این، نامبرده به دنبال مبارزه شدید علیه فرار از مالیات توسط شرکت‌های بزرگ، از وزارت دارایی به وزارت دفاع منتقل گردیده بود. بسیاری افراد برکناری «و-پ-سینگ» را که به درستی و امانت مشهور بود، وجود فساد در دولت کنگره تلقی می‌کردند.

بالطبع اخیر به اعتبار دولت مرکزی و وجود این باور که دولت عمدتاً از سیاسیت بازی‌های حزبی سود می‌برد، تعجب آور نبود که برکناری دولت ایالت پنجاب تحت رهبری سیک‌ها با سوءظن نگریسته شود، به علاوه این امر به منزله اقدامی به منظور کسب آرا در انتخابات آتی در ایالت هاریانا که اکثریت اهالی آن هندو هستند تلقی گردید. باید گفت که وضعیت موجود در پنجاب برای ایالت هاریانا نیز واجد اهمیت است، چه انتخابات ایالتی در حقیقت آزمایش تعیین‌کننده‌ای در مورد پشتیبانی اکثریت هندی زبان و هندو نژاد در ایالات راجستان، هاریانا، اوتار پرادش و بیهار از حزب کنگره بشمار می‌رود. بدون حمایت این ایالات هیچ دولتی در هند نمی‌تواند ادامه حیات دهد. انگیزه‌های مربوط به اعلام حکومت مرکزی در پنجاب هرچه باشد، اوضاع در این ایالت به سرعت روبه وخامت گذاشته و مسئولیت ادامه بحران تاحدودی متوجه دولت مرکزی است. ناآرامی در پنجاب و رشد بنیادگرایی سیک و تجزیه طلبی، مستقیماً با طبیعت سازمان‌سیاسی و بیداری اجتماعی سیک‌ها ارتباط دارد. این آشفتگی پیرامون دونهاد و سازمان متعلق به سیک‌ها یعنی حزب سیاسی «اکالی دال» و (SGPC) یا کمیته مرکزی برای اداره معابدسیک‌ها نیز وجود دارد. هر دوی این سازمان‌ها از جنبش‌های اصلاحی اجتماعی و مذهبی سیک که بالاخره در سال ۱۹۲۵ به تصویب قانونی مبنی بر شناسایی هویت ویژه‌ای برای سیک‌ها انجامید، ریشه می‌گیرند.

قبل از این قانون سیک‌ها خود را به عنوان گروهی مجزا و خارج از چارچوب جامعه بزرگتر هندو نمی‌پنداشتند لکن طرفداران اخوت KHALSA (خالص) یک رشته نمادهای مشترک و همچنین تشریفات و آداب مذهبی ویژه که آنها را به طور ظاهری از هندوها متمایز می‌کرد به وجود آوردند. امانت‌داد سیک‌های

در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۸۷، دولت هند برخورد تازه‌ای را در قبال بالا گرفتن مساله تروریسم و بنیادگرایی مذهبی در ایالت پنجاب آغاز نمود. موضوع مربوط به ایجاد «خالستان» به عنوان یک سرزمین مذهبی سیک بود. بنا به توصیه نخست‌وزیر، رئیس‌جمهور هند، دولت ایالتی منتخب به رهبری حزب سیاسی سیک یعنی «اکالی دال» را برکنار نمود و منطقه مزبور را مستقیماً تحت اختیار دولت مرکزی قرار داد. چند ماه بود که حزب حاکم کنگره و نخست‌وزیر راجیو گاندی خواستار حکومت مرکزی در این ایالت بودند و همچنین چند حزب ملی مخالف دیگر، دولت را مکرراً جهت اقدامی قاطع در این خصوص زیر فشار قرار داده بودند. به هر حال اعلام حکومت ریاست‌جمهوری در پنجاب، مستقیماً با تقاضای فرماندار ایالت پنجاب آقای «سیددهارتا شانکار رایی» نیز ارتباط داشت.

پس از آنکه آقای «رایی» موقعیت موجود در این ایالت را مورد ارزیابی قرار داد، طی نامه‌ای در تاریخ ۱۱ مه ۱۹۸۷ خطاب به ریاست‌جمهوری چنین نوشت: «کاملاً واضح است که حزب حاکم و دولت وی فاقد اراده سیاسی به منظور مبارزه واقعی و جدی با جنبش‌های بنیادگرایا افزایش تروریسم و افراط‌گرایی بوده و در زمینه تأمین موثر و حفظ حقوق اساسی تضمین شده در قانون اساسی ناتوان می‌باشند».

فرماندار همچنین گزارش داد که اعمال هرگونه حاکمیت از طرف دستگاه اداری ایالتی متوقف شده و یک قدرت موازی تحت لوای رهبران سیک، در حال شکل‌گیری است. وی برخی از وزرای کابینه محلی را نیز متهم نمود که عمیقاً درگیر فعالیت‌های تروریستی و افراطی شده و در وظایف پلیس مداخله می‌نمایند. چنین اقداماتی روحیه پلیس پنجاب را به سطح تقریباً خطرناکی تنزل داده و در همان حال فساد شیوع یافته است. به این ترتیب که از طرف برخی از وزراء و بستگان‌شان برای تصویب پاره‌ای فرامین رشوه گرفته می‌شود. امار رسمی نیز افزایش بی‌قانونی و کشتار مردم بیگانه را تأیید می‌کند. در حالی که در سال ۱۹۸۶ شمار کشته‌شدگان در پنجاب ۵۱۷ نفر بوده، در چهار ماه نخست سال ۱۹۸۷، بیش از ۲۰۰ نفر در این ایالت به قتل رسیده‌اند. حوادث فوق که به شکست راه حل سیاسی در قبال مساله پنجاب گواهی می‌داد، در بدترین شرایط زمانی برای دولت مرکزی اتفاق افتاده بود.

در سال ۱۹۸۵، بعد از سوء قصد به خانم گاندی، راجیو گاندی در پرتو موجی از احساسات و همدردی عمومی در انتخابات ملی با قدرت زیاد ظاهر گردید و حزب کنگره توانست اکثریت مطلق را در پارلمان کسب نموده و ۱۸ دولت ایالتی را تحت کنترل خویش درآورد.

اما در ماه‌های اخیر یک رشته مسایل ناشی از دسته‌بندی‌ها و مبارزات درون حزبی و نیز سوء مدیریت سیاسی، موجب کاهش اعتبار سیاسی حزب مزبور گردیده است. نتیجه انتخابات مجالس قانون‌گذاری در دو منطقه، آشکارا مبین این امر است. در ایالت کراالا جبهه متولفه به رهبری حزب کنگره تنها ۶۱ کرسی از ۱۴۰ کرسی مجلس ایالتی را به دست آورد و با این شکست، برای اولین بار پس از استقلال هند، حزب کنگره کنترل خود را بر چهار ایالت جنوبی کشور از دست داد. در بنگال غربی نیز حزب کنگره در انتخابات ایالتی بسختی شکست خورد و ۲۱ نماینده کرسی‌های خود را در مجلس ایالتی از دست دادند. از اهمیت نقش حزب در جناح اقلیت هم به نحو بارزی کاسته شده بدین ترتیب که در شورای قانون‌گذاری ۲۴۰ نفری ایالتی اعضای وابسته به حزب کنگره از ۵۴ نفر به ۴۰ نفر تقلیل یافت. به علاوه، این ناکامی‌ها، مستقیماً بر محبوبیت و وجهه عمومی نخست‌وزیر که دست به فعالیت‌های گسترده زده و در دو ایالت مذکور تقریباً ۲۰۰ نقطه انتخاباتی ایراد نموده بود، اثر گذاشت. علی‌رغم این شکست‌های انتخاباتی، به طور کلی حزب کنگره قدرت عظیم رهبری خود را در پارلمان هند و مجالس قانون‌گذاری ایالتی همچنان حفظ کرده و تهدیدی از طرف یک اوبزسیون واقعی که بتواند در سطح ملی با آن مقابله نماید وجود ندارد. به هر حال در ماه‌های اخیر یک سلسله مناقشات به طور جدی

KHALSA ثابت نبود. نیروی عددی آنها از جدا شدن از جامعه هندو ناشی می گردید ولی گاه به گاه به جمع هندوها بازمی گشتند. به علاوه حتی به عنوان اعضای KHALSA از آداب و رسوم هندوها پیروی می کردند. آنها همچنین از طریق خویشاوندی و ازدواج با هندوها بستگی داشتند. برای يك عضو خانواده هندو امری عادی بود که در مراسم مذهبی لباس مخصوص KHALSA را بپوشد بدون اینکه توسط سایر هندوها به چشم حقارت نگریسته شود.

قانون سال ۱۹۲۵ که سیک ها را از هندوها متمایز ساخت، مبنای حقوقی و نهادی لازم را برای جدایی ظنی سیک ها فراهم کرد. رهبران آکالی به درستی دریافتند که سیک ها يك سبک از کسوت KHALSA بیرون می آید از جامعه بزرگتر هندوهای پنجاب غیر قابل تشخیص می گردد. به همین لحاظ از زمان تشکیل حزب آکالی دال توجه زیادی به ایجاد وجوه تمایز جامعه سیک از طریق حفظ و توسعه مرزبندی های اجتماعی با جامعه هندو به عمل آمده است. درحالی که منشاء تعهد رهبران آکالی به حفظ وجوه مشخصه سیک، جنبه ایدئولوژیک داشت، این امر با وابستگی سیاسی حزبشان به بقا و موضع سیاسی جامعه سیک به عنوان يك ماهیت جداگانه، تقویت می کردید. جدایی خواهی اجتماعی سیک ها مبنایی سیاسی ایجاد نمود و به صورت تقاضایی از جانب حزب آکالی دال متجلی گردید. رهبران آکالی معتقدند که بدون قدرت سیاسی جمعی، فروپاشیدن جامعه مستقل سیک و جذب آن پرتوده های هندو امری غیر قابل اجتناب خواهد بود. نخستین هدف سیاسی آکالی دال تأمین نفوذ و ایجاد پایگاه سیاسی نیرومند تری برای جامعه سیک است به نحوی که سیکها بتوانند به عنوان مردمی مستقل از مصونیت برخوردار گردند.

حزب آکالی دال از بدو تشکیل، SGPC را تحت کنترل قرار داد و در نتیجه این تسلط ۶۰ ساله، نهاد مزبور بصورت يك نیروی موثر و مهیب در سیاست های سیک درآمد. SGPC بانفوذ و نظارت بر تعداد کثیری از کمیته های منتخب محلی مسئول اداره معابد سیک، به عرصه و پایگاهی در سیاست های سیک تبدیل گردید و با کنترل معابد سیک ها توانست به منابع عظیم این معابد متشکل از دارایی ها و اموال مذهبی و همچنین صدقات و کمک های روزانه دسترسی پیدا کند. درآمد SGPC از این منابع در سال ۱۹۸۶ به بیش از ۱۲ میلیون دلار بالغ گردیده بود.

استفاده از این منابع برای مقاصد سیاسی و همچنین توزیع وجوه در قالب انواع مشاغل مربوط به اداره معابد سیک ها، SGPC را از طریق آن، آکالی دال را قادر ساخت تا حمایت گروه های استراتژیک را در جامعه سیک به دست آورد. نهاد مزبور همچنین این وجوه را در راه تبلیغات مذهبی سیک به کار انداخت و به این ترتیب سپاهی از سخنرانان سیمار و میسیونرها و گروه های موسیقی برای سفر به نواحی روستایی و اشاعه ایدئولوژی خود تدارک دید. بهره گیری آکالی دال از این سخنوران برای مقاصد سیاسی، پشتوانه محکمی برای مبارزات انتخاباتی آن حزب گردید. به علاوه کنترل تمام موسسات مذهبی سیک، که SGPC قدرتی نیمه مذهبی بخشید و آکالی دال نیز گاه به گاه این قدرت را برای طرد مخالفانش از جامعه سیک ها به کار می گرفت و بالاخره تسلط آکالی دال بر SGPC، حزب مزبور را قادر ساخت که مدعی گردد تنها نماینده معبد سیک (PANTH) و به طور کلی جامعه سیک می باشد و در تمامی زمینه ها نیز با همان تسلط به عنوان يك معلم مذهبی عمل می کرد. در سیاست های انتخاباتی، آکالی ها نماینده های خود را به عنوان نمایندگان معابد معرفی نموده و مخالفین خود را به خیانت به معبد متهم می کردند. حزب آکالی دال همواره اماکن مذهبی را برای مبارزات غیر مذهبی مورد استفاده قرار می داد و مبارزات سیاسی آکالی ها بر مبنای تشکیل صدها گروه آبی مذهبی در معابد سیک استوار بود. این مبارزات با استفاده از نمادهای قدرتمند دینی، تاریخی و تشریفات مذهبی و عنوان کردن برادری سیکها صورت می گرفت.

پس از استقلال هند، حزب آکالی دال در سال ۱۹۴۸ با ارسال تذکاریه ای به مجلس موسسان، خواستار ایجاد ایالتی با اکثریت سیک گردید و سپس در تدوین قانون اساسی هند شرکت جست. آنها همچنین در مورد نمایندگی ویژه برای جامعه سیکها در مجلس قانون گذاری ایالت پنجاب و دست یابی به پستهای دولتی در آن ناحیه درخواست هایی مطرح ساختند. مهمتر آنکه در این تذکاریه خاطر نشان شده بود چنانچه تقاضای مذکور مورد موافقت قرار نگیرد باید به سیکها اجازه داده شود تا استان جداگانه ای شامل مناطقی که در آن سیکها اکثریت دارند تشکیل دهند. اما مجلس موسسان پیشنهادات آکالی ها را بخاطر مغایرت با طبیعت غیر مذهبی نظام هند، نپذیرفت. در اولین انتخابات عمومی هند که در سال ۱۹۵۲ برگزار گردید حزب آکالی دال از فرصت استفاده نمود و بار دیگر تقاضای خود را مطرح کرد. به هر حال رهبران آکالی دال این امر را تشخیص داده بودند که تقسیم کشور بر اساس جوامع و کشیدن مرزهای

اجتماعی، کلا برای دولت مرکزی قابل قبول نیست. از آنجا که در بعضی دیگر از قسمت های کشور تقاضا جهت تجدید سازمان ایالات هند بر اساس زبان مطرح شده بود، این بار آکالی ها درخواست خود را برای تشکیل يك ایالت با اکثریت سیک بر مبنای زبان تنظیم نمودند. درحالی که زبان پنجابی زبان مادری همه سیکها به شمار می رفت، بخش اعظم هندوهای پنجاب به هندی سخن می گفتند. بین سالهای ۱۹۵۲ و ۱۹۶۶، آکالی دال گاه گاه دست به سلسله تحریکاتی با هدف ایجاد وحدت در جامعه سیک می زد و برای قبول این پیشنهادات خود به دولت فشار می آورد. آکالی ها به منظور بسیج جامعه سیک، اتهاماتی در خصوص اعمال تبعیض علیه سیکها در خدمات دولتی و مداخله مأمورین دولتی در امور مذهبی سیک ها، متوجه حکومت مرکزی می ساختند. حزب آکالی دال از مقدس ترین و اولین زیارتگاه سیکها یعنی معبد طلائی در آمريت سار، مبارزه، تظاهرات سیاسی و نافرمانی را به کمک گروه کثیری از افراد داوطلب شروع کرد و سیکها مجبور شدند در این «جنگ مذهبی» شرکت جویند. به هرگونه واکنش حکومت مرکزی در برابر این تظاهرات، برچسب مخالفت با مذهب سیک زده می شد و مبارزات آکالی ها را تقویت می نمود. در جریان این مبارزات ۲۶۰۰۰ سیک دستگیر شدند. در سال ۱۹۶۶ به موجب قانون تجدید سازمان پنجاب، این ایالت به سه بخش تقسیم شد در جنوب، مناطقی که در آن هندوهای هندی زبان اکثریت داشتند تشکیل ایالت جدیدی بنام هاریانا دادند. بخش های دیگر هندی زبان پنجاب مجزا و در ایالت همسایه یعنی هیمچال پرادش ادغام گردیدند و بدین ترتیب ایالت جدید پنجاب جمعیتی مرکب از ۵۴ درصد سیک و ۴۴ درصد هندو پیدا کرد. بدین ترتیب سیکها تا حدودی به هدف خود دست یافتند ولی آنچه موجب آزرده گی رهبران آکالی دال میشد آن بود که در سیاست های انتخاباتی، سیکها صرفاً بر طبق خطوط اجتماعی تعیین شده رای نمی دادند. حزب کنگره سیکهایی را برای خود داشت که با دارا بودن موقعیت رهبری می توانستند در انتخابات زمینه حمایت بسیاری از سیکها را از حزب کنگره فراهم آورند. بدین ترتیب در دوره انتخابات مجلس قانون گذاری در پنجاب که بین سالهای ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۰ صورت گرفت، حزب کنگره آراء بسیاری از رای دهندگان سیک را به دست می آورد به طوری که آکالی دال قادر نبود بیش از ۳۰ درصد از آراء را کسب نماید. در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۰ حزب کنگره توانست ۱۲ کرسی از ۱۳ کرسی ایالت پنجاب را به خود اختصاص دهد و این امر به وضوح جنبه سیاسی حزب را برای رای دهندگان اعم از هندو و سیک نشان می داد.

بین سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴، آکالی دال اقدام به سلسله تحریکاتی علیه دولت مرکزی نمود. انگیزه اصلی آکالی هاد ایجاد ناآرامی علاقه آنها به احراز مجدد رهبری جامعه سیک بعد از شکست در انتخابات ایالتی بود. به هر حال در سال ۱۹۸۰ حزب آکالی دال به دو جناح اصلی منشعب گردید: گروه اکثریت به رهبری رئیس آکالی دال «هارچاند سنگ لنگووال» و دیگری به زعامت رئیس سابق حزب آقای «جاگدوسینگ تالواندی». ایندو گروه گاهی در جریان مبارزات به صورت یکپارچه عمل کرده و با یکدیگر همکاری می نمودند. لکن بین آنها رقابت هم وجود داشت و این امر به افزایش تناقض خواسته هایشان کمک می کرد زیرا هر يك از این دو جناح درصد تسلط بردیگری بود. هسته اصلی تقاضای آکالی از قطعنامه حزب مورخ ۱۹۷۳ در «آناند پور صاحب» ناشی می گردید. به موجب قطعنامه مزبور یکی از اهداف اصلی آکالی دال تلاش در جهت حفظ هویت مشخص و مستقل «PANTH» و ایجاد محیطی است که در آن احساسات ملی و آمال «Sikh PANTH» بطور کامل امکان ظهور و رشد یابد. بعلاوه طبق این قطعنامه، برتری دادن به KHALSA از طریق ایجاد يك محیط همگون و استقرار سیاسی، از دیگر هدفهای مهم حزب آکالی دال میباشد. برای تحقق این منظور، قطعنامه هفت هدف را بر شمرده بود که مهمترین آنها عبارت بود از: ۱- ادغام شهر «چندیگر» مرکز ایالت پنجاب (که میان پنجاب و ایالت همسایه اش هاریانا جنبه مشترك داشت) و برخی نواحی دیگر با جمعیت سیک پنجابی زبان، در یکدیگر. بدین ترتیب پنجاب جدیدی که بوجود میاید میتواندست منافع سیک ها و مکتب سیک را بطور خاص حمایت کند ۲- به پنجاب جدید و سایر ایالات هند در جاتی از خود مختاری محلی و رای روابط موجود بین ایالات و دولت مرکزی طبق قانون اساسی قبلی هند اعطاء شود. ۳- تلاش آکالی دال برای وضع قوانینی بمنظور توسعه اختیارات SGPC نسبت به زیارتگاههای سیک در سراسر کشور.

قطعنامه «آناند پور صاحب» فلسفه سیاسی اساسی آکالی دال را در جهت دستیابی به نفوذ سیاسی بیشتر برای جامعه سیک ها منعکس می نمود. بعلاوه هدف از درخواست وضع قوانینی که بموجب آن همه زیارتگاههای سیک در کشور تحت اختیار SGPC در آید، افزایش دسترسی آکالی دال به



می نمود. مسلماً دولت خانم ایندی را گاندی از این که مبارزات آکالی ها حدت و شدت خود را از دست بدهد خرسند بود. صرف نظر از دعاوی آکالی ها چنین بنظر می رسید که دولت نگرانی زیادی در این زمینه نداشته باشد. در هند، سیک ها از رفاه و تأمین نسبی برخوردارند، درآمد سرانه و طول عمر آنها از سطح متوسط ملی بیشتر است، در حالیکه حدود دو درصد از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، سهم نسبتاً خوبی در ارتش و ادارات مرکزی دارند. بعلاوه، در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۸۰ حزب کنگره از حمایت قدرتمند جامعه سیک ها در پنجاب برخوردار شده بود.

بهر حال، دولت مرکزی قابلیت آکالی ها را در امر بسیج جامعه سیک دست کم گرفت. بعلاوه انقلاب سبز که رفاه غیرمنتظره ای را برای پنجاب بارمغان آورده و این ایالت را به انبار غله هند مبدل نموده بود، دچار جمود و رکود می گردید. بدین ترتیب که روند قبلی افزایش رفاه اکثریت کشاورزان جامعه سیک کندتر شده و با گسترش کشاورزی مکانیزه و عدم افزایش مناسب اشتغال در بخش های غیر کشاورزی، میزان بیکاری، در میان جوانان باسواد روستائی بالا می رفت. شاید بتوان گفت که موفقیت های کشاورزی در پنجاب، خود یکی از موجبات نارضایتی سیک ها بوده است.

عدم قابلیت اقتصاد پنجاب در برآوردن آمل جامعه سیک زمینه مساعدی برای تبلیغات آکالی ها فراهم نمود و رهبران آکالی بسرعت توانستند عدم رضایت عمومی را مورد استفاده قرار دهند. در حالیکه مذاکرات آکالی ها با دولت مرکزی ادامه داشت، مبارزه دیگری بصورت نافرمانی و سرکشی از طرف آنها آغاز شد. ساختمان کانالی که رودخانه های SUTLEJ و «یامونا» را بهم متصل نموده و آب را به ایالت هاریانا می رساند به یک مسئله مهم تبدیل گردید. رهبران آکالی مدعی بودند که ایجاد این کانال دهقانان سیک را از منابع حیاتی آب محروم می سازد و اگر چه دلیلی برای اثبات این مدعا عرضه نمی شد لکن دعوی مزبور مورد حمایت سیک ها قرار گرفت و عده ای برای متوقف نمودن حفر کانال مزبور داوطلب شدند. آکالی ها همچنین بمنظور تقویت دعاوی خویش، به تکنیک معروف خود یعنی تبلیغات مذهبی روی آوردند. از آنجا که سیک ها استعمال دخانیات را حرام می دانند، حضور تعدادی از تجار توتون و تنباکو در اطراف معبد طلائی، بعنوان توهینی به اعتقادات سیک ها تلقی گردید و در نتیجه تظاهراتی به طرفداری از منع استعمال دخانیات در شهر امریت سار برپا شد.

اقدامات متقابل کسبه هندو، دولت را ناگزیر از ممنوع ساختن تظاهرات نمود و این امر خود فرصتی برای آکالی ها فراهم کرد تا در برابر ممنوعیت مذکور مقاومت نمایند و دستگیری تعدادی از تظاهرکنندگان موجب شد تا لبه تبلیغات آکالی ها تیزتر گردد. دولت مرکزی در تلاش برای مقابله با مبارزات آکالی ها حرکت کندی داشت. یکسال بعد از آغاز تحریکات عمومی توسط آکالی ها بود که دولت هند تمایل خود را دایره بر قبول برخی از تقاضاهای کوچک آنها اعلام نمود و مطالب اساسی و مهم دیگر مانند مسئله خود مختاری بیشتر برای ایالت پنجاب و تصویب مقررات مربوط به معابد سیکها در سراسر کشور، جهت بررسی به یک کمیته رسمی ارجاع گردید. این سیاست نه تنها برای گرفتن ابتکار عمل از دست آکالی ها در رهبری جامعه سیک باشکست مواجه شد، بلکه به اتخاذ یک روش

جمعیت سیک در سراسر کشور بود.

تصویب چنین قوانین می توانست بنحو وسیعی شبکه منابع مالی SGPC را افزایش داده و درآمدهای سالیانه آنرا به بیش از دو برابر بالا برد. بعلاوه آکالی دال خواستار تقسیم مجدد آبهای رودخانه بین ایالات پنجاب و هاریانا شده بود. بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۰، آکالی دال شریک انقلاقی حزب جاناتا در دولت محلی پنجاب بود ولی با وجود این بستگی، چندان موفق نشد که خواسته هایش را براساس قطعنامه «اناندپور صاحب» مورد توجه دولت مرکزی قرار دهد. حزب آکالی دال در سال ۱۹۷۸ ضمن اجلاس، اصول و اهداف قطعنامه ۱۹۷۳ را مورد تأکید قرار داد و در سپتامبر ۱۹۸۱ اجلاسی از گروه اکثریت حزب یعنی «لانگوال» مجدداً تأکید کرد که اجرای قطعنامه «اناندپور»، هدف دراز مدت حزب میباشد. در واکنش به این امر یکی از اعضای برجسته گروه رقیب یعنی «تالواندی» اظهار داشت از آنجا که سیکها یک ملت بشمار می آیند، لذا باید یک کشور مستقل خالستان تأسیس گردد. سپس در یک اجلاس سالیانه SGPC با حمایت گروه لانگوال قطعنامه ای به تصویب رسید که طی آن اعلام شده بود که سیکها ملت جداگانه ای بوده و خواستار اجرای قطعنامه «اناندپور صاحب» هستند.

در این مرحله، رهبران آکالی دست به یک رشته مبارزات وسیع تبلیغاتی زده و در خصوص تبعیض علیه سیکها توسط دولت مرکزی و مداخله مامورین دولتی در امور مذهبی سیک، اتهاماتی متوجه دولت هند نمودند. داوطلبان آکالی رهسپار نواحی روستائی شدند تا مردم را از وجود اینگونه تبعیضات آگاه نمایند، و شبکه وسیعی از سخنوران SGPC و گروههای موسیقی محلی جهت ترویج این پیام بکار گرفته شدند. آنها فهرستی شامل ۴۵ فقره شکایت تنظیم نموده و خواستار توجه جامعه سیک باین موارد شدند. شکایات مزبور متضمن دعاوی مختلف بود از جمله اینکه دولت، شهر «چندیگس»

و بعضی دیگر از نواحی پنجابی زبان را خارج از محدوده پنجاب قرار داده، خود مختاری داخلی ایالت پنجاب را نفی نموده، و از وضع قانون مربوط به معابد سیکها در هند قصور ورزیده است. شکوائیه های مزبور همچنین دولت را متهم می نمود که در جهت مخالفت با سیکها تعداد آنها را در ارتش کاهش داده، مسئول محدودیت صنایع سنگین در پنجاب می باشد، از اعطای وام با بهره مناسب به کشاورزان خودداری می ورزد، در نام گذاری قطاری تحت عنوان قطار سریع السیر معبد طلائی ممانعت کرده، از مقدس شمردن شهر امریت سار امتناع نموده، با استقرار یک فرستنده رادیویی در معبد طلائی بمنظور بخش سرودهای مذهبی سیک مخالفت می نماید، از شناسایی قانون منی جداگانه ای برای سیکها خودداری می کند، سیکها را به شکلی ناخوشایند در فیلمها نمایش می دهد، مقدس بودن رسوم سیکها را نقض کرده و بالاخره ادبیات ضد سیک را تشویق می نماید.

در ماه اکتبر ۱۹۸۰ دولت مرکزی مذاکراتی را با آکالی ها شروع کرد. در ابتدای گفتگوها حزب آکالی دال از ۴۵ فقره شکایت خود صرف نظر نموده و در عوض ۱۵ تقاضا را که اکثراً براساس هدفهای مندرج در قطعنامه «اناندپور صاحب» قرار داشت مطرح ساخت. این مذاکرات برای مدت دو سال و نیم ادامه داشت و هر یک از طرفین مکرراً طرف دیگر را به ناسازگاری، سخت گیری، سوتی، و استفاده از تکنیک هائی برای به تاخیر انداختن گفتگوها متهم

موزون و مناسب بنظر مقابلۀ با افزایش تحریکات آکالی‌ها نیانجامید. روش دولت در مقابلۀ با مبارزات باین صورت بود که داوطلبان آکالی را که اقدام به نقض قوانین می‌کردند، دستگیر و پس از مدت کوتاهی به صورت یک ژست آشتی جویانه آزاد می‌کرد. در اکتبر ۱۹۸۳ ظاهراً بعنوان یک ابتکار تازه برای مقابلۀ باناآرامیهای سیک، حکومت مرکزی، دولت ایالتی را که وابسته به حزب کنگره بود برکنار و بجای آن حکم مرکزی رادر پنجاب برقرار ساخت ولی در حال سیاست جدیدی برای مقابلۀ باناآرامیهای ایجاد شده توسط سیکها اتخاذ نمود. همچنانکه مبارزات آکالی شدت می‌یافت، ظهور یک واعظ جوان و بنیاد گرای سیک بنام «جانایل سینگ بیندران ویل» بردامنه ناآرامی‌ها افزود. «بیندران ویل» به روستاهای سیک نشین سفر کرد و دست به تبلیغات وسیعی در میان آنها زد. تعلیم وی براین محور متمرکز بود که سیکها نباید از بکار بردن علامات ویژه خود غفلت ورزند. از دیگر خصیصه‌های سخنرانی‌های او تأکید بر اهمیت حفظ آداب و رسوم و لزوم مسلح شدن سیک‌ها بود. تلاش «بیندران ویل» در وهله نخست متوجه سیک‌های «نیرانکاری» یعنی شعبه‌ای از سیک‌ها که بعضی از تعلیم مذهبی رانادیده می‌گرفتند، گردید. بیرون بیندران ویل بیکار با گروههای «نیرانکاری» را آغاز نمودند و در سال ۱۹۸۰ یکی از رهبران روحانی «نیرانکاری» بقتل رسید. در ماه سپتامبر ۱۹۸۱ باقتل یک نویسنده برجسته هندو که مقالات انتقاد آمیزی در زمینه بنیادگرایی سیک‌ها می‌نوشت، فصل تازه‌ای در افراط کاری سیک‌ها گشوده شد و «بیندران ویل» با اتهام دخالت در این قتل بازداشت گردید. گرچه دخالت وی در این قتل ثابت نگردید اما نامبرده علناً قاتلین رامورد تحسین و تمجید قرارداد. پس از مدت کوتاهی «بیندران ویل» به معبد طلائی رفت و از آنجا با حملات علنی علیه دولت هندوها مبارزه شدیدی را برای ایجاد یک کشور مذهبی بنام خالستان آغاز کرد و بدین ترتیب موجی از فعالیت‌های تروریستی در پنجاب پدید آمد که شامل ترور افراد انتخاب شده‌ای از سیکهای «نیرانکاری» و مقامات دولتی، بمب گذاری و همچنین کشتار هندوها بود. چنانچه این اعمال تروریستی و واکنش‌های سریعی راعلیه سیکهای خارج از ایالت پنجاب بوجود می‌آورد، سیکها ناگزیر می‌شدند از سایر نقاط هندیه به پنجاب مهاجرت کنند و باین روند، پنجاب به صورت یک کشور سیک درمی‌آمد.

در حالیکه عملیات تروریستی «بیندران ویل» افزایش می‌یافت و این فعالیت‌ها از طرف سیکهای جوان و بیکار و همچنین فدراسیون دانشجوین سیک در سراسر هند مورد حمایت قرار می‌گرفت، روش دولت مرکزی در مقابلۀ باناآرامی‌ها، منسجم و مبتنی بر برنامه ریزی نبود. دولت مرکزی در برابر تبلیغات آکالی و همچنین بیندران ویل و پیروان او اقدامات موثری بعمل نیاورد و همین عدم قاطعیت، برجسارت مبارزان سیک و آسیب ناپذیری آنها می‌افزود و رهبران آکالی به نوبه خود، گرفتار چریانی شدند که خود بوجود آورده بودند. از آنجا که اتهامات «بیندران ویل» علیه دولت شبیه به دعاوی آنها بود، آکالی‌ها ترجیح دادند بجای محکوم کردن روشهایی که «بیندران ویل» به آن متوسل می‌شود، بر شدت دعاوی خود بیافزایند. هرگونه ابتکار عمل جدید آکالی‌ها با موج تازه‌ای از اقدامات تروریستی دنبال می‌گردید و هر واکنش دولت علیه افراطیون سیک، مستمسک تازه‌ای بدست آکالی‌ها می‌داد تا تحریکات خود را دامن زنند.

در آوریل ۱۹۸۴ تردیدی وجودی نداشت که افراطیون سیک، برخی از معاهد را بصورت قرارگاههای امنی برای خود در آورده‌اند و شواهد متقنی نیز مبتنی بر ایجاد استحکامات در معبد طلائی وجود داشت. در این شرایط حزب آکالی دال اعلام داشت که مبارزه جدیدی را در جهت عدم همکاری با دولت، در ژوئن ۱۹۸۴ آغاز خواهد نمود. بالاخره، دولت مرکزی دست به اقدام قاطعی زد. ارتباط پنجاب با سایر مناطق کشور قطع گردید و پس از دو روز عملیات فشرده نظامی، ارتش هند در هفتم ژوئن کنترل معبد طلائی را بدست گرفت. رهبران آکالی که داخل معبد بودند همگی تسلیم شدند و «بیندران ویل» و بسیاری از پیروان وی به قتل رسیدند.

SGPC نیز بسهم خود، وزیر کشور هند را که یک سیک بود بخاطر عدم رعایت احترام معبد طلائی، از جامعه سیک طرد نمود. سه سال ناآرامی در پنجاب تأثیرات بسیار زیادی بر نظامات حاکم بر جامعه سیک‌ها گذاشت. مبارزات تبلیغاتی آکالی‌ها، واکنش‌های حکومت مرکزی در برابر تحریکات آن‌ها، و امتناع دولت از برآوردن تقاضاهای ظاهراً منطقی سیکها، موجب گردید که آکالی‌ها بتوانند از حمایت وسیعی در جامعه سیک برخوردار شوند. همچنانکه همبستگی جامعه سیکها همراه با مبارزات آکالی افزایش می‌یافت، رقابت شدید برای در دست گرفتن رهبری میان سیاستمداران سیک

- رهبران حزب آکالی دال معتقدند که بدون قدرت سیاسی جمعی، فروپاشیدن جامعه مستقل سیک و جذب شدن آن در توده‌های هندو امری غیر قابل اجتناب است.
- نخستین هدف سیاسی حزب آکالی دال تأمین نفوذ و ایجاد پایگاه سیاسی نیرومندتری برای جامعه سیک است به نحوی که سیکها بتوانند به عنوان مردمی مستقل از مصونیت برخوردار گردند.
- یک راه حل بادوام و مؤثر برای رفع ناآرامی سیک‌ها تنها زمانی بوجود خواهد آمد که حکومت هند دریابد سیاست کنونی تنها به ریشه کن کردن تروریستها و نه تروریسم در پنجاب خواهد انجامید.
- مشکل ایالت پنجاب صرفاً مربوط به حفظ نظم و قانون نیست بلکه مسائل احساسی، روانی و اقتصادی را نیز شامل می‌گردد. مبارزه با تروریسم بدون دستیابی به قلب و افکار مردم میسر نخواهد بود.

نیز بیشتر و بر تعداد شکایات و تقاضاهای آنان افزوده می‌شد و ناآرامی‌ها صورت حادثتری بخود می‌گرفت. بروز افراط گرایی نیز آنطور که باید و شاید از طرف سیکها محکوم نگردید. حمله به معبد طلائی، تلاشی عمدی بنظر تجزیه سیکها تلقی شد و خسارات عمده‌ای که به اموال مقدس سیکها وارد آمده بود، خود سببی از سرکوب رسمی تلقی گردید. در ماه اکتبر ۱۹۸۲ معبد طلائی پس از تعمیر، مجدداً به SGPC واگذار شد. در همان ماه بانو ایندیرا گاندی توسط دونفر از محافظین شخصی خود که سیک بودند بقتل رسید. بحران در دولت هند پس از انتخاب راجیو گاندی بعنوان رهبر حزب کنگره، نخست وزیر جدید هند بسرعت فروکش کرد لکن در مورد جامعه سیک باید گفت که بهر حال احساس بیگانگی آنها با بروز شورش‌های ضد سیک در بعضی از مناطق کشور تشدید شد. در مدت سه روز و قبل از اینکه ارتش هند کنترل اوضاع را در دست گیرد سیکها در دهلی و بعضی دیگر از نقاط کشور به صورت هدف شورشیان درآمدند. اموالشان بقتل رفت، و امکان آنها منهدم گردید. طبق آمار رسمی بیش از ۲۰۰۰ نفر سیک به قتل رسیدند و حدود ۱۰/۰۰۰ نفر دیگر در دهلی بی‌خانمان شدند. بدین ترتیب بخاطر عدم توانایی مقامات دولتی در کنترل سریع آشوب‌ها وضع برای جامعه سیک بدتر شده بود. آنها عقیده داشتند که شورش علیه سیکها صرفاً مربوط به انفجار خشم عمومی ناشی از قتل خانم گاندی نبوده است. مطبوعات هند با انتشار سلسله مقالاتی دستکاه اداری دولت و حزب کنگره را متهم به دخالت در ایجاد این آشوب‌ها کردند و گزارشی نیز توسط دوسازمان داخلی حقوق بشر هند منتشر شد مبنی بر اینکه حمله به اعضاء جامعه سیک در دهلی، نه تنها ناشی از هیجانان دیوانه‌وار و خشم و غضب مردم بخاطر قتل خانم گاندی بوده بلکه مقامان دولتی و سیاستمداران حزب کنگره نیز در ایجاد این احساسات دخالت داشته‌اند.

در حالیکه رهبران سیک، خواستار اجرای عدالت بودند، دولت مرکزی از صدور دستور برای تحقیق درباره علت آشوب‌ها امتناع می‌کرد به این دلیل که اینگونه تحقیقات آتش خشم عمومی را دامن خواهد زد. در مورد بسیاری از سیکها، روش دولت در این خصوص، دلیلی برای ترس بیشتر بود. در ماه ژوئیه ۱۹۸۵ نخست‌وزیر جدید هند بنظر تحکیم موقعیت خویش

بین لانگووال و دستیاران نزدیک راجیو گاندی هموار نمود. به دنبال یک رشته مذاکرات محرمانه کوتاه و فشرده در ماه ژوئیه ۱۹۸۵، اعلام گردید که دولت مرکزی و آکالی دال بمنظور حل و فصل اختلافات فیما بین روی یادداشتی به توافق رسیده‌اند.

هدف این یادداشت تفاهم آن بود که روند مذاکرات را تسهیل نماید. در این یادداشت، اساس برخی از خواسته‌هایی که آکالی دال تحقق آنرا شرط لازم برای مذاکرات میدانست مورد موافقت قرار گرفته و درباره سایر تقاضاهای آنان نیز پارامترهایی منظور گردیده بود.

طبق موافقتنامه مذکور، دولت مرکزی به خانواده افراد بیگناهی که در جریان حوادث و وقایع ماه اوت ۱۹۸۲ بقتل رسیده بودند غرامت پرداخت می‌کرد و خسارات وارده به اموال سیک‌ها را جبران می‌نمود، لکن در مورد میزان و همچنین نحوه پرداخت غرامات تصمیم نهائی اتخاذ نشده بود. بعلاوه موافقت شد که شهر چندرگر پایتخت مشترک پنجاب و هاریانا به پنجاب تعلق گیرد و کمیسیون بمنظور تعیین قسمتهائی از پنجاب که می‌بایست به هاریانا ملحق گردد تشکیل شود. قرار شد سایر دعوی مرزی بین ایالات پنجاب و هاریانا به یک کمیسیون مرزی احاله گردد و تصمیمات کمیسیون مزبور الزام آور باشد. علاوه براین، مسائل مربوط به تسهیم آبهای رودخانه‌ای نیز به کمیسیون مزبور ارجاع میشد. دولت مرکزی همچنین تعهد خود را برای بررسی وضع قانون مربوط به اداره کلیه زیارتگاههای سیک با مشورت حزب آکالی دال مورد تأیید قرار داد. موضوع اعطای خود مختاری بیشتر به پنجاب و قطعنامه «آناندپور صاحب» نیز با همان روح سازش طلبی مورد بررسی قرار گرفت. در این یادداشت خاطرنشان شده بود که آکالی دال تأیید می‌کند که قطعنامه «آناندپور صاحب» تماماً در چهارچوب قانون اساسی هند بوده و هدف آن خود مختاری بیشتر برای ایالات با در نظر گرفتن تحکیم وحدت و تمامیت کشور هند میباشد. موارد مربوط به روابط بین دولت مرکزی و ایالت پنجاب مندرج در قطعنامه، به یک کمیسیون مستقل ارجاع میگردد تا مراتب را بررسی و نتیجه را بدولت مرکزی گزارش دهد. همانگونه که پیش بینی می‌شد، اعلام حل اختلاف بین لانگوویل و



خواستار انجام انتخابات سراسری شد. وی شدیداً قطعنامه «آناندپور صاحب» را مورد حمله و انتقاد قرار داد و اظهار داشت که گفتگو با آکالی دال هنگامی ممکن خواهد بود که رهبران آن حزب عناصر افراطی را طرد نمایند. در مقابل، آکالی دال نیز مذاکره با دولت را مشروط به آزادی رهبران حزب نمود. بهر حال چنین بنظر می‌رسید که بدون حل و فصل مشکلات با آکالی دال، صلح در ایالت پنجاب برقرار نخواهد گشت. دولت مرکزی بمنظور رفع مشکلات فیما بین دست به یک سلسله اقدامات محتاطانه و در عین حال هماهنگ شده زد، بدین ترتیب که رهبران آکالی بدون قید و شرط آزاد شدند و دولت اعلام داشت که به پنجاب کمک‌های اقتصادی اعطا خواهد نمود. نخست وزیر نیز از شدت حملات خود علیه قطعنامه «آناندپور صاحب» کاست و تمایل خویش را جهت مذاکره با رهبران آکالی ابراز داشت البته بشرط آنکه آنها خواسته‌های خود را در چهارچوب قانون اساسی هند مطرح نمایند. به دستیاران نزدیک نخست وزیر تعلیمات و یژه‌ای برای فراهم ساختن زمینه گفتگو با آکالی‌ها داده شد و دولت مرکزی مقرر داشت تحقیقات قضائی در خصوص شورش‌های ضد سیک در دهلی انجام گیرد.

رهائی رهبران آکالی، موجب تجدید و تشدید رقابت میان آنان و از سرگیری فعالیت‌های تروریستی شد. اقدامات خصمانه علیه هندوها نیز به نوبه خود واکنش‌هایی نسبت به سیک‌ها در پی داشت. سازمانهای اجتماعی هندو بصورت فعال درآمدند و اقدامات تروریستی علیه هندوها موجب عکس العمل‌هایی گردید که در جریان آن تعداد زیادی از سیک‌های بیگناه جان خود را از دست دادند.

ظاهراً «هرچاند سینگ لانگووال» رهبر آکالی دال علیرغم موقعیتی که داشت تشخیص داده بود، در صورتیکه آکالی‌ها تحریکات خود را از سر بگیرند امکان بروز یک درگیری بزرگ بین توده‌های هندو و سیک بسیار زیاد خواهد بود. همچنین احتمال میرفت که ادامه سیاست‌های افراطی سیک نقش رهبری آکالی دال را تحت الشعاع قرار داده و آثار بسیار جدی برای آینده جامعه سیک در هند در برداشته باشد. روش آشتی جویانه دولت مرکزی راه را برای یک رشته مذاکرات محرمانه

راجیو گاندی، اعتراض بسیاری از آندسته رهبران آکالی را که در این زمینه‌ها مورد مشورت قرار نگرفته بودند برانگیخت. آنها قول دادند که از اجرای توافقنامه جلوگیری نمایند. افراطیون سیک هم با افزایش فعالیت‌های تروریستی، مخالفت خویش را ابراز داشتند. دولت مرکزی بمنظور حفظ آرامش نظر موافق خود را دائر بر انجام انتخابات و تشکیل یک دولت منتخب در ایالت پنجاب اعلام نمود. از طرف دیگر تعداد زیادی از سیک‌های افراطی اقدام به تاسیس حزب سیاسی جدیدی بنام حزب «آکالی متحده» نموده و خواستار تحریم انتخابات شدند. مذاکرات فشرده‌ای نیز میان رهبران رقیب آکالی برای ایجاد یک موضع مشترک انتخاباتی انجام گردید.

در ۲۰ اوت ۱۹۸۵ لانگووال موفق شد اکثریت رهبران میانه رو آکالی را متقاعد سازد که مشترکاً در انتخابات شرکت نمایند. اما در همان روز بدست افراطیون سیک بهلاکت رسید. قتل لانگووال موجب شد که موجی از احساسات همدردی نسبت به حزب وی بوجود آمده و همبستگی رهبران آکالی انسجام یابد.

بعلاوه هندوها و سیک‌های پنجابی با وجود اقدامات تروریستی و تلاش‌هایی که در جهت تحریم انتخابات بعمل آمده بود، بصورت گسترده‌ای در رای گیری شرکت نمودند. در این انتخابات آکالی دال به پیروزی بزرگی نائل گردید و برای اولین بار در تاریخ هند اکثریت مطلق را در پارلمان ایالتی احراز نمود. در ابتدا احساسات ناشی از این پیروزی بر اختلافات میان رهبران آکالی غلبه کرد و در نتیجه آنها باتفاق آراء «سارجیت سینگ بارنالا» را که مورد اعتماد لانگووال بود بعنوان رئیس دولت جدید ایالتی انتخاب کردند. بهر حال مذاکرات مربوط به چگونگی شرکت هر یک از جناح‌های اصلی حزب در دولت، موجب درگیری بین رهبران آکالی شد و «پراکاس سینگ بادال» یکی از رهبران قدرتمند سیک و طرفداران او از شرکت در دولت آکالی که در سپتامبر ۱۹۸۵ تشکیل شد، امتناع نمودند.

«بارنالا» از ابتدا با خطر جدی اختلاف عقاید در حزب آکالی دال مواجه شد و مشکلات او با انتخاب یکی از رهبران رقیب بنام «چورچاران سینگ توهر» به ریاست SGPC بیشتر گردید.

همانطور که قبلاً ذکر شد «ببندران ویل» از معابد سیک بعنوان پایگاه استفاده می‌کرد و این امر سبب شده بود که کنترل حزب آکالی دال بر SGPC تضعیف گردد. اما اکنون دولت آکالی مجبور بود با یک SGPC مستقل که

□ از زمان انتخاب راجیو گاندی به نخست وزیری، روابط او و رئیس جمهور پیوسته رو به تیرگی بوده تا جایی که بالاخره مسئله بررسی اختیار قانونی ریاست کشور برای برکناری نخست وزیر مطرح شده است.

□ حزب کنگره قدرت عظیم رهبری خود را در پارلمان هند و مجالس قانونگذاری ایالتی حفظ کرده و تهدیدی از سوی يك جبهه مخالف واقعی که در سطح ملی بتواند با آن مقابله نماید، وجود ندارد.

□ پشتیبانی اکثریت هندی زبان و هندو نژاد در ایالت های راجستان، هاریانا، اوتار پرادش و بیهار از حزب کنگره بسیار مهم است، چه بدون حمایت این ایالات هیچ دولتی در هند قادر به ادامه کار نیست.

□ ناآرامی در پنجاب و رشد بنیادگرایی سیک و تجزیه طلبی، مستقیماً با طبیعت سازمان سیاسی و بیداری اجتماعی سیک ها ارتباط دارد.

خصومت آن علیه دولت ایالتی سرعت رو به فزونی میرفت مقابله نماید. بارنالا پس از تصدی مقام ریاست دولت ایالتی در صدد برآمد در برابر افراتیون سیک از سیاست ترمش و سازش پیروی کند و بهمین خاطر تعدادی از آنان را که در زندان بودند آزاد کرد. شمار زیادی از این افراد بلافاصله پس از آزاد شدن، مجدداً نغمه ایجاد «خالستان» را ساز کردند. دولت همچنین با موج دیگری از فعالیت های تروریستی مواجه شد و مسلم گردید که افراتیون در داخل معبد طلانی مشغول گروهبندی شده اند. بارنالا چاره دیگری نداشت جز اینکه با توسل به نیروی پلیس علیه افراتیون اقدام نماید. در ماه مارس ۱۹۸۶ بارنالا بنا به اصرار دولت مرکزی یک افسر برجسته را که به استفاده از راههای خشن معروفیت داشت بعنوان فرمانده پلیس پنجاب منصوب نمود و تغییرات سریعی در نحوه عملیات ضد تروریست بوجود آمد. فرمانده جدید اعلام کرد در مقابله با تروریسم گلوله را با گلوله پاسخ خواهد داد و باین ترتیب تعداد افراتیون سیک که دستگیر و یا کشته میشدند سرعت افزایش یافت. در پایان سال ۱۹۸۶ حدود ۱۶۰۰ سیک افراتی دستگیر و ۸۰ نفر دیگر در مقابله با پلیس بهلاکت رسیده بودند. سرکوبی افراتیون موجب اعتراض رهبران حزب آکالی متحده و فدراسیون دانشجویان سیک هند گردید. آنها دولت بارنالا را متهم میکردند که در برآوردن خواسته های اساسی سیک ها کوتاهی و با روشهای پلیس علیه عده ای بیگناه اقدام نموده است. از سوی دیگر فقدان کنترل دولت ایالتی بر SGPC مانع جدی در امر مبارزه با فعالیت های تبلیغاتی آنان بود. با شروع سال ۱۹۸۷، افراتیون سیک خود را آماده مبارزه مستقیم با دولت آکالی دال نمودند. متعاقب تشکیل شورای اجرائی جدید از طرف SGPC تحت ریاست «چوچاران سینگ توهار»، پنج نفر از رهبران روحانی معبد طلانی برکنار و روحانیون افراتی بجای آنان منصوب شدند. این گروه ضمن صدور يك فرمان مذهبی با این استدلال که اتخاذ يك موضع مشترك تنها راه متقاعد ساختن دولت مرکزی به برآوردن خواسته های سیک هاست، کلیه جناح های آکالی دال را منحل اعلام کردند و حزب آکالی متحده و «براکاش سینگ با دال» و پیروان او در آکالی دال نیز فوراً متابعت خود را از فرمان مزبور اعلام داشتند. به بقیه اعضای رهبری حزب آکالی دو روز فرصت داده شد تا از مناصب خود استعفا نمایند و گرنه از مذهب طرد خواهند شد. بارنالا از پذیرفتن این اخطار خودداری کرد و با تلاش زیاد توانست اکثریت نمایندگان حزب آکالی دال در پارلمان را با خود همراه سازد.

بارنالا برای نشان دادن حمایتی که از وی بعمل می آید يك اجتماع بزرگ

سیاسی تشکیل داد که طی آن اقدام روحانیون سیک بخاطر دخالت های آنان در امور سیاسی محکوم گردید. متعاقب این گردهمایی بارنالا از طرف رهبران مذهبی، از کیش سیک طرد شد و آن گروه از نمایندگان آکالی عضو مجلس ایالتی طرفدار بارنالا نیز از طرف رئیس مجلس ایالتی فاقد صلاحیت نامزدی اعلام شدند.

در داخل حزب بارنالا با خطر کناره گیری مستمر اعضا از حزب روبرو بود. مجبور میشد نمایندگان آکالی در پارلمان ایالتی را به وزارت و یا سایر مقامات مهم ایالتی منصوب نماید. با محاصره شدن دولت ایالتی، وضع دستگیر کردن آن نیز بسرعت رو به وخامت گذاشت. اگر موفقیت دولت بارنالا فقط در بیان خلاصه شود، باید گفت که دولت مرکزی کمک ناچیزی در منزوی سایر افراتیون سیک و همچنین اعاده آرامش به پنجاب بعمل آورده است.

ابتکارات سیاسی که منجر به توافق با آکالی دال و انجام انتخابات ایالتی در پنجاب گردید، هرچند که متضمن شکست حزب کنگره در این ایالت بود معهذاً به عنوان نشانه های مثبتی از سیاستمداری دولت مرکزی تلقی گردید. بهرحال هنگامیکه دولت آکالی در پنجاب مستقر شد حکومت مرکزی باین آنکه راه حل های سیاسی را مد نظر قرار دهد، صرفاً به اعاده نظم و قانون در ایالت پرداخت و مکرراً بارنالا را مجبور نمود تا دست به اقدامات خشن علیه افراتیون سیک بزند بدون آنکه زمینه برای بهره برداری سیاسی و تحکیم موقعیت وی از جامعه سیک فراهم آید.

بهنگام حمله ارتش به معبد طلانی، حدود ۳۷۰ نفر در داخل معبد به آتش بر پا کردن جنگ علیه کشور بازداشت شدند و توقیف بدون محاکمه این افراد ادامه یافت. نخست وزیر هند طبق توافقی که با آکالی دال داشت متعهد بود که به اتهامات این افراد رسیدگی کند و کمیسیونی هم بهمین خاطر تشکیل شده بود. بهرحال دولت مرکزی اقدام قابل توجهی برای تسریع در رسیدگی به اتهامات افراد بازداشت شده که در میان آنها زنان و تعدادی از عبادت کنندگان بیگناه نیز وجود داشتند، ننمود. اگرچه موافقت شده بود که شهر چندبکر به پنجاب تعلق گیرد اما این امر موکول به تعیین میزان تاوانی بود که میبایست به ایالت هاریانا داده شود. کمیسیون مربوطه در گزارش خود توصیه نمود که ۷۰/۰۰۰ جریب از اراضی پنجاب به هاریانا داده شود. گرچه ممکن است نظر محاسبات کمیسیون مزبور در این زمینه صحیح بوده باشد اما اجرای آن نمیتوانست به منزله يك خودکشی سیاسی برای دولت پنجاب تلقی گردد. گزارش کمیسیون دیگر در خصوص حل و فصل اختلافات مرزی بین دو ایالت نیز بهمانصورت غیر عملی بود.

شاید یکی از بهترین نمونه های سوءمدیریت دولت مرکزی مربوط به چگونگی کار کمیسیون قضائی مسئول رسیدگی به اغتشاشات ضد سیک در دهلی باشد. در جریان رسیدگی های این کمیسیون تعدادی از سازمان های حقوق بشر آثراً متهم کردند که برخی شواهد ارائه شده را نادیده گرفته است اما کمیسیون بدون توجه به این حقیقت که مأموریتی در جهت آرام کردن احساسات عمومی دارد، بکار خود ادامه داد. کمیسیون در گزارش نهایی خود حزب کنگره را از اتهام دخالت در آشوب مبرا دانست و بدین ترتیب در حقیقت صحت نظر کسانی را که نتیجه تحقیقات را از پیش تعیین شده می دانستند تأیید نمود.

حکومت مرکزی با حمایت سیاسی ناچیزش از دولت بارنالا، بالاخره در مقابل واقعیت های تلخ ناشی از افزایش تروریسم در پنجاب و همچنین فشار سیاسی حزب کنگره جهت دست زدن به اقدامی قاطع، تسلیم گردید. انتخابات ایالتی سال ۱۹۸۵ ثابت کرد که چنانچه مسائل بطور صریح و روشنی بازگو و تشریح شود اکثریت جامعه سیک مخالف اقدام جدی و قاطع علیه افراتیون نیستند.

بنظر میرسد که «سیدارتاشانکاراری» فرماندار پنجاب و رئیس بنیاد سیک بخوبی از ماهیت وظیفه ای که به عهده دارند، آگاهند. «رای» در مصاحبه اخیر خود در خصوص مسئله پنجاب اظهار داشت که «مشکل صرفاً مربوط به نظر قانون نیست بلکه شامل مسائل احساسی، روانی و اقتصادی است.» رئیس پلیس نیز در این خصوص چنین اظهار نظر کرد:

«مبارزه با تروریسم بدون دست یابی به قلب و افکار مردم، میسر نیست. هنگامی که صحبت از مردم میکنم، مقصودم سیکها است. آنها باید بظرف ما ببینند. در غیر اینصورت باید جنگ کرد.» «بهرحال موفقیت «رای» در پنجاب نهایتاً منوط به حمایت سیاسی حکومت مرکزی از وی خواهد بود. بطور کلی يك راه حل با دوام و موثر برای رفع ناآرامی سیک ها تنها زمانی بوجود خواهد آمد که حکومت هند دریابد که سیاست فعلی آن می تواند تنها تروریستها و نه تروریسم را در پنجاب از میان بردارد.